

## پیام زندانی سیاسی علی معزی از زندان گوهر دشت

زندانی سیاسی علی معزی از زندانیان سیاسی دهه ۶۰ که هم اکنون در زندان گوهر دشت کرج بسر می برد، حکم اعدام برای شش تن از هواداران و خانواده های مجاهدان اشرف را خیال واهی رژیم برای ایجاد ترس از قیام مردم خواند و گفت این اقدامات عزم و اراده ملت شریف ایران را برای رهایی صد چندان می کند. آقای علی معزی ۵۶ ساله ، که هنوز از آثار شکنجه های سالهای شصت دژخیمان خمینی رنج می برد، از ۲۰ آبان ۱۳۸۷، پس از یورش شکنجه گران وزارت بدنام اطلاعات بخاطر دیدار با فرزندش در شهر اشرف، از خانه اش ربوده شد و ماههاست در زندان گوهر دشت کرج زندانی و تحت فشار و شکنجه های گوناگون بسر میبرد، وی در بخشهایی از پیام خود، گفته است:

بنام خدا

سران حاکمیت در هراس از اعتراضات و نارضایتی های فزاینده مردم تصمیم به زهر چشم گرفتن و انتقام از مردم گرفته اند. لذا در آستانه خرداد ماه پس از اجرای چند اعدام اکنون از زبان دادستانی رژیم ، تایید احکام قطعی اعدام شش تن از خانواده های مجاهدین اشرفی از جمله آقایان علی صارمی و جعفر کاظمی را اعلام کرده اند. به این خیال واهی که مردم را بترسانند، اما حالا دیگر پرده فریب حکومت دیکتاتوری از هم دریده شده و عزم و اراده ملت شریف بویژه زنان و جوانان برای رهایی از سلطه مشتی قاتل حرام خواره و حرام کاره صد چندان شده است. که چنین مقدر باشد که خون های سال های اخیر همچون حجت ها و نداها تا فیض و فرهادها با رود خروشان خون شهدا و قتل عام های دهه شصت پیوند خورده و حیات نوینی را برای ملت ما رقم زند.

اگر در گذشته این خونریزی ها که رژیم را بی آینده می کرد در ظلمات دجالیت همراه با خواب غفلت رسانه ها و مجامع جهانی ، خرج ترساندن و زمین گیر کردن جامعه ایرانی می شد، اکنون دیگر چه باک که همه شعار می دهند! "ترسید نترسید ما همه با هم هستیم". "می جنگیم ، می میریم ، سازش نمی پذیریم". چه رسد به بندیان سیاسی مبارز و مجاهد که با دست خود طناب دار برگردن آویزند و خود به جوخه های اعدام فرمان آتش دهند و خانواده های آنان نیز با پایداری و صبری جمیل ادامه راه آنها را فریاد کنند.

" آیا ننگریستی به آنان که هزار هزار با ترس مرگ از دیار خود بیرون آمدند، پس خدا به آنها گفت بمیرید سپس زنده شان کرد! آری پس از آن که ترس از مرگ را کنار گذاشته و آماده جانبازی شدند خداوند آنها را از حالت مردمی مرده و بی خاصیت بصورت ملتی زنده و شاداب و عاقبت بخیر دگرگون ساخت. "

زنده را زنده نخوانند که مرگ از پی اوست بلکه زنده است شهیدی که حیاتش به فناست.

در ادامه نامه زندانی سیاسی علی معزی آمده است: اینجانب از زمانی که آقای علی صارمی از اوین به زندان گوهر دشت منتقل گردیده بعنوان یک هم بندی با ایشان افتخار همنشینی داشته ام و از نزدیک

تحت تاثیر گذشت و فداکاری، رفتار و کردار انسانی و اخلاق و منش والای ایشان بوده ام.

...

چهره علی آقا با لبخندی مهر آمیز تجلی گاه محبت پدران و عشق او به مردم است. سحرخیزی، فروتنی، متانت و بردباری و بزرگواری و عشق و ایمان و مرام مردمی اش من و سایر هم بندیان را تحت تاثیر قرار داده و بعنوان نمونه ای از ایمان و پایداری، احترام همگان را بر می انگیزد. یکی می گوید: " از وقتی که حکم اعدام آقای صارمی را صادر کرده اند چقدر احساسات و عواطفش رقیق تر و لطیف تر شده و چقدر شادتر از گذشته به نظر می رسد."

آقای صارمی همچنان درتداوم ورزش بامدادی، استفاده درست از وقت ، پیشقدمی در برآوردن نیازهای دیگران ، خستگی ، بیماری و سن و سال نمی شناسد و در ایامی که او را در غل و زنجیر و بیماری پی درپی به بیدادگاه می بردند و می آوردند می گفت: " چیزی نیست دوری زدیم و آمدیم و از هویت خودمان هم که دفاع کردیم. ..."

سلام و درود بیکران بر آنان که از بذل جان و مال و امکانات خویش در راه آزادی خلق دریغ نوزیدند .

(علی معزی) ۳/۸۹/ ۱

منبع: سایت همبستگی ملی

وارد شده: 03/03/89 – 24/05/2010